irannewspaper.ir

• چهارشنبه ۱ شهریور ۱۴۰۲ • سال بیست‌ونهم • شماره ۸۲۶۳
• اذان ظهر ۱۲/۰۷ • اذان مغرب ۱۹/۰۳ • نیمه شب شرعی ۲۳/۲۲ • اذان صبح فردا ۴/۰۰ • طلوع آفتاب فردا ۵/۳۰

ایران

• **صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
• **مدیر مسئول:** محمدحسن روزی‌طلب
• **سردبیر:** حسام الدین برومند
• **معاون فنی:** محمدملاعلی‌اکبری
• **دبیران:** مصطفی عیوضی(سیاسی)
• مهدی مهرپور(اقتصادی)
• مصطفی وثوق‌کیا(فرهنگی)

• زرین رستمی وند(اجتماعی) • بنفشه غلامی(جهان)
• لیدا فخری(اندیشه) • محمدرضا عزیزی(گزارش)
• زهرا کشوری(زیست‌بوم) • فرناز قلعه‌دار(حوادث)
• مهدی کلهرنژاد(اجرایی)
• حجت حکیمی(صفحه‌آرایی)
• محسن جانی‌پور (ویراستاری) • ابوالفضل نسایی(عکس)

• **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
• **پیامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
• **صندوق پستی:** ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰
• **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
• **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷(۰۲۱)
• **انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲

گر بر سر بحر علم بینا گردی
ور زانک نظیر ابن سینا گردی
تا گرد مراد خویشتن می گردی
می‌دان به یقین که دیر بینا گردی

اوحدالدین کرمانی

سخن روز

امام علی علیه السلام:
به راستی که دانش، مایه حیات دل ها، روشن کننده دیدگان کور و نیروبخش بدن های ناتوان است.

تحف العقول، ص ۲۸

نگاره

روز بزرگداشت ابن سینا

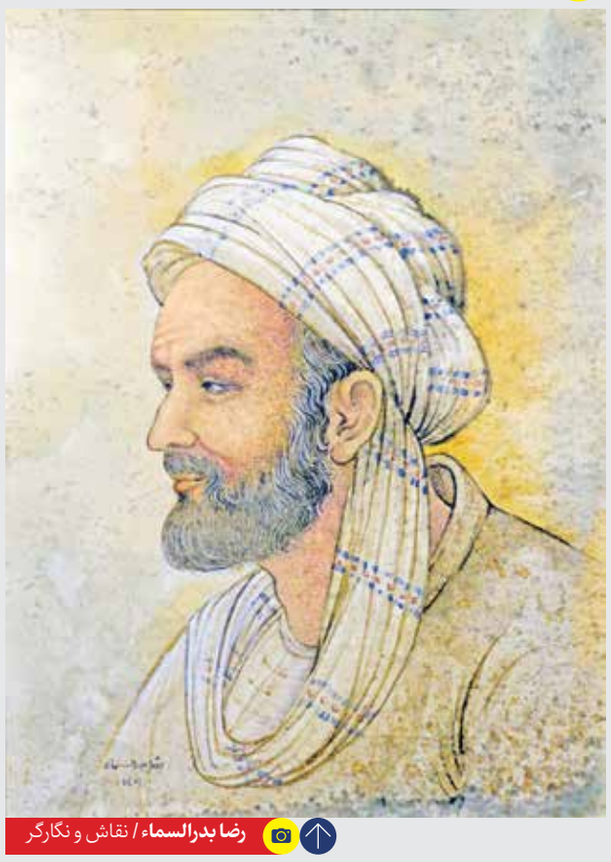

رضا بدرالسماء / نقاش و نگارگر

فضای مجازی

خطبه حضرت زینب(س) در یک فیلم سوری

رقیه‌سادات موسوی، فعال فرهنگی در اینستاگرامش در کنار قطعه‌ای از یک فیلم به زبان عربی نوشت: «این بخشی از فیلم موکب الابا به کارگردانی باسل الخطیب و تولید سوریه در سال ۲۰۰۵ است که با عنوان کاروان سربلند به فارسی دوبله شده: جای شگفتی بسیار است که گروهی الهی و برگزیده، به دست حزب شیطان و بردگانِ آزادشده، کشته شوند و خون‌های ما از این پنجه‌ها بچکد و پاره‌های گوشت ما از دهان شما بیرون بیفتد و شما گرگ‌های وحشی پیوسته به سراغ آن بدن‌های پاک و پاکیزه آیید و بچه کفتارها آنها را به خاک بمالند. اگر امروز [پیروزی بر] ما را غنیمتی برای خود می‌دانی، به‌زودی آن را غرامت [و مایه زیان] خود خواهی یافت، در آن روز که جز محصول کرده خویش را نخواهی یافت و هرگز پروردگار، به بندگانش ستم نخواهد کرد. من فقط به خدا شکوه می‌کنم و تنها بر او اعتماد می‌نمایم.»

ایران یک هویت فراگیر فرهنگی است

سجاد قافله‌باشی، فیلمساز در توئیترش درباره سریال عاشورا نوشت: «حجازی‌فر خیلی کار خوبی کرد که زبان اصلی کار را حفظ کرد. گرچه به جهت رعایت حال همه مخاطبین در بحث خواندن زیرنویس، بد نبود به موازات یک نسخه دوبله پخش شود. ایران یک هویت فراگیر فرهنگی شامل همه اقوام و فرهنگ‌های آن است و لازم است اجزای این پیکره واحد بهتر و بیشتر هم را بشناسند.»

بهترین سریال تلویزیون از جهت پژوهش و محتوا

کورش علیانی، نویسنده در توئیترش با اشاره به یکی از سریال‌های تلویزیون نوشت: «سریال آقای قاضی را دیده‌اید؟ از نظر هنری ضعف‌هایی دارد، اما در محتوا شاید از بهترین سریال‌های سال‌های اخیر باشد. محتوای سریال بر اساس پژوهش در پرونده‌های واقعی تنظیم شده. قاضی دادگاه هم تصویری آرمانی از قاضی است، اما بازی خوب بهزاد خلج پذیرفتنی‌اش کرده.»

رکوردهای دست‌نیافتنی سینمای ایران

محمد محمدی، کارشناس و روزنامه‌نگار تئاتر و سینما در توئیتر نوشت: «وقایع اخیر سینما را تنها برای به حاشیه بردن رکوردهای این روزهایش باید دانست. احداث ۱۸۰ سالن سینما طی ۲ سال، روند صعودی و دوبرابری مخاطب و تخمین رسیدن به رکورد ۲۸ میلیون مخاطب در سال و ثبت‌نام بیش از ۹ هزار اثر برای جشنواره فیلم کوتاه، بخشی از دست‌نیافتنی‌های سینمای ایران است.»

سرنگونی مجسمه ملکه الیزابت در کانادا

یکی از کاربران توئیتر به نام ابراهیم ضمن اشتراک‌گذاری یک ویدیو نوشت: «انتشار خبری مبنی بر پیدا شدن گور دسته‌جمعی ۲۱۵ کودک از بومیان کانادا در مدرسه‌ای باعث خشم بومیان و سرنگون کردن مجسمه ملکه الیزابت شد. این کودکان به زور و در شرایطی وحشتناک در این مدارس زیر نظر کلیسا و دولت نگهداری می‌شدند تا از خانواده و ریشه‌شان جدا شوند.»

بازخوانی مجددی از مکبث

رضا منتظری، روزنامه‌نگار در اینستاگرامش با اشاره به نمایش «فریز مکبث فریز» که این روزها روی صحنه است، نوشت: «نمایشنامه «مکبث» را به عنوان یکی از کوتاه‌ترین و تأثیرگذارترین نمایشنامه‌های تراژدی در تاریخ می‌شناسند. نمی‌شود کتابخوان بود و شکسپیر را نشناخت و نمی‌شود شکسپیر را شناخت و «مکبث» را نخواند؛ نمایشنامه‌ای که چهار قرن از خلق آن گذشته و هنوز شاهد اجراهای تازه‌ای از آن هستیم. شاید شکسپیر کبیر هرگز حتی به ذهنش خطور نمی‌کرد تا سال‌ها بعد از خلق این شاهکار ادبی‌اش در کشوری دور مانند ایران با نگاه روز به مسائل اجتماعی، سیاسی و... برداشتی آزاد از اثرش صورت گیرد. «مکبث» طیف متنوعی از اقتباس‌های تئاتری، سینمایی و تلویزیونی را الهام بخشیده که هر کدام دارای تفسیر و برداشت منحصر به فرد خود از متن اصلی هستند.... «فریز مکبث فریز» اثری است که از نظر فرمی بی‌نقص از آب درآمده، اما معتقدم در حوزه نگارش متن معضلاتی دارد.»

نقل قول

بهناز ضرابی‌زاده
نویسنده

اولین منتقد اثر خودتان باشید

اولین منتقد هر کاری خودتان هستید. من نخستین‌باری که «دخترشینا» را نوشتم وقتی تمام شد و آن را خواندم حس کردم اصلاً کار خوبی نیست و نمره بالایی نمی‌گیرد. با اینکه ناشران مختلفی درخواست داشتند اما کار را کنار گذاشتم و شش ماه تمام فقط فکر می‌کردم به اینکه چطور می‌توانم یک کار جذاب بنویسم. حاصل این اتفاق شروع کردن از جایی بود که قصه تمام شده است. بنابراین پایان اثر را به ابتدای کار آوردم که به‌نوعی ساختارشکنی بود. هر آن چیزی که در ماجرای کتاب پیش آمده است، در فصل اول روایت می‌شود و وقتی این فصل تمام می‌شود، تمام خاطره‌های زندگی به خاطرش می‌آید و در فصل دوم این روایت به شکل خطی پیش می‌رود و کار که به پایان رسید مورد رضایت قرار گرفت. بعد از ترجمه به زبان روسی موفق به کسب نشان طلای ادبی جشنواره اوراسیا شد.

| بخشی از صحبت‌های بهناز ضرابی‌زاده در کارگاه تخصصی جشنواره داستان آفرینش

یادداشت

حجت‌الاسلام دکتر حسین بستان
هیأت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

واقعیت زن در مهد آزادی

یکم: زن در رسانه‌های دنیای غرب، به طور مشهود و آشکار، ابزاری در اختیار مردان است. در تلویزیون و سایر رسانه‌ها با دنیایی روبه‌رو می‌شوند که به طور نامتناسبی به نفع مردان است و زنان با نمایش دادن جذابیت‌ها، لطافت‌ها، پوشیدن لباس‌های تحریک‌کننده و انجام رفتارهای عشوه‌گرانه به شهوت‌رانی و لذت‌خواهی مردان بویژه جوانان کمک می‌کنند.

دوم: بعد از جنگ بین‌الملل دوم ناگهان می‌بینیم که مایه اساسی هنر جهان و مخصوصاً همه فیلم‌ها فقط و فقط بر دو عنصر قرار می‌گیرد: ۱- خشونت ۲- جنسیت. نمایش مکرر تصاویر خشونت‌آمیز و تحقیرکننده در رسانه‌ها (تلویزیون، روزنامه‌ها و...) از جمله هرزه‌نگاری و نمایش تصاویر کلیشه‌ای به صورت‌های مختلف رقص و آواز در کازینوها، مخاطبان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و باعث رفتارهای خشونت و تحقیرکننده نسبت به زنان می‌شود. هرزه‌نگاری یا پورنوگرافی سابقه دیرینه دارد، اما امروزه به هر نوع نمایش تصویری مستهجن یا نوشته‌های کتبی گفته می‌شود که به قصد انگیزش جنسی بیننده یا خواننده تولید شود. بنابر گزارش محققان آمار، تصویرگری تجاوز به عنف از طریق کتاب‌های ویژه پورنوگرافی در فاصله ۱۹۷۴-۱۹۶۸ دوبرابر و تصویرهای نشان‌دهنده خشونت جنسی در مجلات خاص در فاصله ۱۹۷۷-۱۹۳۷ پنج برابر افزایش یافته که نتیجه آن بنا بر اعتراف روان‌شناسان، «ایجاد نگرش‌های منفی و رفتار پرخاش‌جویانه نسبت به زنان» بوده است. ادوارد دونراشتاین در یک بررسی میدانی به همین نتیجه رسید که مردان بر اثر مشاهده تصاویر صریح پورنوگرافی نسبت به زنان ستیزه‌جوتر می‌شوند.

سوم: نگاهی گذرا به تاریخچه فیلمسازی و تهیه برنامه‌های تلویزیونی و سینمایی در غرب نشان می‌دهد که این رسانه برای جلب مخاطبان خود از چند جنبه به زنان روی آورده است. گاه جهت ایجاد لذت بصری از راه تبدیل زنان به کالای جنسی، گاه برای رونق بازار فیلم‌ها که از روحیه خیال‌پردازی و رمانتیک دختران جوان و زیبا استفاده می‌کند. کسانی که از زن در نقش کالا و تجارت استفاده کردند، هدفی جز پرپول ساختن جیب سرمایه‌داران سینمایی نداشتند و آنها که از زن در نقش‌های سکسوال استفاده کردند، هدفی جز لذت و بهره‌مندی شهوی نداشتند که هر دو گروه در جای خود ظلم زیادی به هویت و شخصیت زن نمودند. خانم مارلین فرنچ، نویسنده زن امریکایی چنین می‌نویسد: «هنرمندان بدن زن را سوژه آثار خود قرار می‌دهند و نسبت به آن احساس مالکیت می‌کنند. چه آثار آنها بازتابی از نفرت نسبت به زن باشد و چه از زن، ایده‌آلی بسازند و چه اثر آنها احساسات‌برانگیز باشد.» به قول شهید مطهری: «کیست که نداند امروز در مغرب زمین، زیبایی زن، جاذبه جنسی زن، آواز زن، هنر و ابتکار زن، روح و بدن زن و بالاخره شخصیت زن، وسیله حقیر و ناچیزی در خدمت سرمایه‌داری اروپا و امریکاست؟»

چهارم: ال‌ام وارد در تحلیلش از برنامه‌هایی که بین کودکان و جوانان محبوب‌اند و در زمانی که تلویزیون بیشترین تعداد بیننده را دارد پخش می‌شوند، دریافته است که ۱۱/۵ درصد پیام‌های کلامی جنسی غیر مستقیم، مربوط به نظریات شیء‌بینی جنسی بوده که تقریباً همه آنها نیز در مورد زنان است. به همین نحو، لمپن و دیگران، با بررسی مکالمه‌های مطرح در فیلم‌های کمدی پخش شده در زمان اوج تعداد بیننده‌ها، دریافتند که ۲۳ درصد رفتارهای جنسی غیر مستقیم، چشم‌چرانی، با چشم دلربایی کردن، زل زدن و جیغ و سوت زدن به نشانه مخالفت، برای شخصیت‌های مؤنث فیلم بوده است. علاوه بر این، ۱۶/۵ درصد اظهارات به دست آمده، در مورد اجزای بدن یا برهنگی بوده است. اکثریت این نظریات(۸۵ درصد) از سوی مردان بیان شده بود.

پنجم: گرار هولز و کینگ (۱۹۹۲) در تحلیلشان درباره آزار جنسی، در هنگام پخش برنامه‌ها در زمان اوج تعداد بیننده‌ها، موضوع مشابهی را در مورد بدنام کردن زنان گزارش کرده‌اند که اشاره به تمایلات جنسی زنان، عقلانیت اندک آنها و استفاده ابزاری از بدنشان داشت. از میان ۸۱ قسمت بررسی شده، ۸۴ درصد آنها حداقل دارای یک مورد آزار جنسی بود و به طور متوسط هر برنامه دارای ۳/۴ مورد بود. در معمولی‌ترین بازی‌ها، اظهار نظریات، جنسیتی بوده‌اند (۳۳/۳ درصد موارد) که در آنها از کلمات زشت و قبیح بسیاری برای توصیف زنان استفاده می‌شد.

ششم: تحقیقات در مجله‌ها، این نکته را مستند کرده است که جلب کردن توجه پسران با «سکسی» به نظر آمدن، موضوع خیلی از مقالات، متون، عناوین روی جلدها، تبلیغات و عکس‌هاست.

هفتم: روژه گارودی، نویسنده فرانسوی که سال ۱۹۸۲ میلادی مسلمان شد، می‌گوید: بیش از ۱۰۰ هزار نفر کارمند آژانس‌های تبلیغاتی، شب و روز در پی ایجاد واکنش‌های شرطی در مردم‌اند تا آنان را در برابر فیلم‌های تبلیغاتی تلویزیونی تأثیرپذیر سازند. شیوه بنیادین کار این مؤسسات غربی، تبلیغات تجاری براساس فرمول معروف هیتلر در کتاب نبرد من استوار است؛ او می‌گوید، براساس اصول و مبانی و اهداف مادی‌گرایانه وقتی می‌خواهید جامعه‌ای را به سوی چیزی بکشید، حیوانی‌ترین و پست‌ترین غرایز او را آماج و نشانه تبلیغات خود قرار دهید؛ غده «آب دهان» را برای آگهی یک کنسرو و «غریزه جنسی» او را برای آگهی یک جوراب یا یک اتومبیل آخرین سیستم تحریک کنید.»

هشتم: بنابراین با نگاهی آگاهانه به شخصیت زن در رسانه‌هایی نظیر تلویزیون، سینما، مجلات، اینترنت و... در دنیای غرب می‌توان دریافت که محوریت این برنامه‌ها و نوشته‌ها، روابط نامحدود با جنس مخالف، دیده شدن جنسی، پوشیدن مدهای مختلف برای جذابیت جنسی، خودآرایی به انواع مختلفی از آرایش برای تنوع‌طلبی، القای مفاهیم سکس آشکار و پنهان، تبلیغات کالاها و... است؛ این درست خلاف جهت‌گیری مطلوب صدا و سیما در یک جامعه اسلامی است که در آن، باید نقش‌های مختلف زندگی زنان از دختری گرفته تا همسری و مادری و نمایش حضور اجتماعی مثبت و سازنده او به دور از هرگونه دیدگاه‌های جنسی و استفاده‌های ابزاری دنبال شود. هرچند صدا و سیمای کشور اسلامی‌مان با آن جایگاه مطلوب فاصله زیادی دارد، ولی یادمان نرود که غرض از نمایش زن در آن، نمایش و ترویج نگاه متعالی به زیباترین موجود آفرینش یعنی زن است.

درنگ

سعید فلاح‌فر
پژوهشگر هنر

قانون ممنوعیت عکاسی

توسعه عکاسی و سهل‌الوصول بودن آن برای عموم مردم، مستلزم قواعد و قوانینی است که می‌تواند تابعی از فرهنگ محلی، نوع حکومت و شرایط اجتماعی و... باشد. این حدود فرهنگی و قانونی در فضاهای غیرشخصی یا نحوه انتشار عمومی این عکس‌ها معنا پیدا می‌کند. بر این اساس در کشورهای مختلف آزادی‌ها و ممنوعیت‌هایی به شکل عرف اجتماعی و قوانین موضوع جرایم عمومی برای عکاسان آماتور و حرفه‌ای اعمال می‌شود. بدیهی است ثبات این قواعد در مقابل میزان تأثیر بحران‌های اجتماعی و سلیقه‌های فردی و... می‌تواند به‌عنوان معیاری برای عقلانیت چنین مرزهایی باشد. معمولاً این محدودیت‌ها برای گردشگران کمتر است اما گاهی در مورد بعضی قوانین سختگیرانه خاص، موجب دردسرهایی می‌شود. در هر حال از نظر سیاسی و اجتماعی آزادی فعالیت عکاسی در هر جامعه؛ نسبت مستقیمی با فرهنگ رواداری و احترام به حقوق شهروندی دارد.

کره جنوبی عکاسی بدون اجازه از زنان را غیرقانونی می‌داند. در امارات عکاسی از صحنه تصادفات رانندگی ممنوع است. به همین ترتیب قوانین متفاوتی در کشورهای مختلف اعمال می‌شود. در برخی کشورهای غربی، عکاسی از کودکان بدون کسب اجازه از والدین ممنوع است. در امریکا عکاسی بدون اجازه از املاک شخصی جرم تلقی می‌شود. علاوه‌بر مناطق نظامی و...، برای عکاسی از حریم کعبه، فضای داخلی تاج‌محل، معابد ژاپنی، کلیسای سیستین در رم و... هم محدودیت‌های خاصی وجود دارد. همه این ممنوعیت‌ها بر اساس حفظ امنیت ملی، احترام به حریم خصوصی افراد، احترام به فرهنگ و آرامش عمومی و جلوگیری از سایر جرایم احتمالی وضع می‌شوند. تفاوت‌های موجود حاصل تعبیر قانونگذار از تعریف حریم خصوصی یا دامنه موضوعات امنیتی و.. است.

گاهی بنا بر تصمیمات علمی معین و... محدودیت‌هایی برای عکاسی از فضاهایی مثل موزه‌ها و... وجود دارد که با ارائه دلایلی (مثل امکان آسیب‌رسانی به آثار، مزاحمت برای بازدیدکنندگان، حفظ قوانین مالکیت معنوی و...) اعلام می‌شود. اما وجه مشترک؛ روشنی و وضوح قانون برای عکاسان و شیوه اجرایی آن است. چنانچه در همه کشورها؛ پلیس و مأموران انتظامی، مجری قوانین رسمی خواهند بود و نه واضع آن. بنابراین اعمال محدودیت‌های خارج از قانون یا سلب آزادی قانونی شهروندان به منظور رفع مسئولیت یا انحصار منافع اقتصادی و... در فضاهای عمومی، مشروعیت قانونی ندارد.

در ایران عکاسی از آنچه در دید عموم قرار دارد، حتی بنایی که از پیاده‌رو یا از پشت دیوارهای کوتاه و نرده‌ای در معرض دید باشد، عکاسی در صحنه عمومی از افرادی که آشکارا چهره خود را پنهان نکرده باشند، عکاسی در مجامع عمومی مثل استادیوم ورزشی، خیابان، بوستان و جاهایی که عموم مردم اجازه تردد دارند، حتی بخش‌های عمومی ادارات دولتی ـ مشروط به رعایت اخطارها و تابلوهای رسمی ممنوعیت، حفظ حریم خصوصی و آبروی افراد ـ بدون الزام اطلاع یا هر نوع کسب اجازه، بلامانع است. همچنین عکاسی از سلبریتی‌ها و مسئولین کشوری و...، به دلیل نقش اجتماعی آنها، مشمول حریم خصوصی شهروندان عادی نیست. اما عکاسی در فضاهای نیمه‌خصوصی مثل رستوران، سالن تئاتر و... عکاسی از چهره افراد به عنوان سوژه اصلی (مگر کسانی که مثلاً با شرکت در سخنرانی و مسابقه ورزشی و نمایش عمومی و... خود را آشکارا در معرض عکاسی گذاشته باشند)، مستلزم کسب اجازه خواهد بود.

> در برخی کشورهای غربی، عکاسی از کودکان بدون کسب اجازه از والدین ممنوع است. در امریکا عکاسی بدون اجازه از املاک شخصی جرم تلقی می‌شود

عکس نوشت

نمایش بزرگ «غریبه شام» توسط جمعی از هنرمندان یزدی همزمان با ایام شهادت حضرت رقیه (س) از ۲۷ مرداد به مدت ۷ شب در حسینیه بزرگ شهدای مریم‌آباد یزد میزبان علاقه‌مندان است.
این نمایش آیینی و عاشورایی با سفر به گذشته و تلفیق واقعه عاشورا و بخشی از تاریخ معاصر کشورمان یعنی حماسه دفاع مقدس با دو قهرمان به شکل موازی؛ یکی حضرت رقیه (س) و دیگری دختربچه‌ای که پدرش در صف رزمندگان هشت سال دفاع مقدس حضور دارد و به شهادت رسیده است، تلاش می‌کند جریان‌سازی رویداد حماسه حسینی و دفاع مقدس را نمایان سازد.

عکس: مهر